فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره نوزدهم. بهار ۱۳۹۷، صص ۲۷۱-۲۵۱ Vol 2. No 19. 2018, p 251-271
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

نگرشی بر مشروعیت و یا عدم مشروعیت ازدواج سرپرست با فرزندخوانده

علی موسی خواه
کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

چکیده

در این تحقیق ازدواج با فرزندخوانده در فقه و حقوق پرداخته خواهد شد. علاوه برموضوع اصلی تحقیق به بررسی تحولات و اصلاحات قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲پرداخته خواهد شد. ازدواج با فرزند خوانده در قانون مذکور ممنوع شده مگر اینکه دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان، این امر را به مصلحت فرزند خوانده تشخیص دهد. از جمله اثرات سویی که ازدواج با فرزند خوانده می‌توان مد نظر یاشد لطمه احتمالی تبصره ماده ۲۶ این قانون به بنیان فرزندخواندگی و کاهش و افزایش تمایل خانواده‌ها به پذیرفتن کودکان بی سرپرست و بد سرپرست، افزایش سوء استفاده‌های جنسی نسبت به کودکان بی سرپرست و بدسرپرست، آسیب‌های شدید روحی و جسمی به این کودکان، آسیب های شدید اجتماعی می توان بیان نمود. این قانون دارای نقاط قوت بسیاری علاوه بر موضوع حاضر می‌توان به ادله مشروعیت ازدواج با فرزند خوانده بر طبق آیات، روایات و اجماع فقها بررسی خواهد شد. از جمله مهم ترین آیات در استناد به ادله مشروعیت آیه چهارم سوره احزاب می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، فرزند خوانده، سرپرست، حقوق اسلام

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

درآمد

بررسی نقطه نظرات گوناگون ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در حقوق اسلام از موضوعات اصلی این تحقیق می‌باشد. قبول نمودن کودکان به فرزندی به جهت کمک نمودن به آنان و یا به جهت رفع خواسته‌های معنوی زنان و شوهرانی که به هر دلیل فاقد فرزند هستند، از زمان‌های گذشته در جوامع بشری معمول و مرسوم بوده است. از این جهت، قبول نمودن شخصی که فرزند طبیعی زوجین محسوب نمی‌گردد، تحت عنوان فرزند خواندگی در جوامع گوناگون از سابقه ای طولانی برخوردار است و در زمان ها ونظام های مختلف حقوقی، شرایط و آثار متفاوتی دارد. علاوه بر ادله مشروعیت ازدواج با فرزند خوانده دلایلی نیز در نقد آن نیز موجود می‌باشد. این امر در تبصره ماده ۲۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، ازدواج سرپرست با فرزند خوانده ممنوع شده است. مگر اینکه دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان، این امر را به مصلحت فرزند خوانده تشخیص دهد. اهمیت موضوع در رابطه با لطمه احتمالی این تبصره به نهاد فرزندخواندگی و کم یا زیاد شدن تمایل خانواده‌ها به پذیرش کودکان بی سرپرست و بدسرپرست، افزایش سوء استفاده‌های جنسی نسبت به کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، آسیب های شدید روحی و جسمی به این کودکان، می‌باشد.

الف: مفاهیم

۱- نکاح

نکاح، مصدر «نکح، ینکح» می‌باشد و در رابطه با معنای لغوی و نحوه‌ی استعمال این لفظ نظرات متعددی ارائه شده است. بنا به نظر برخی نکاح در لغت، حقیقت در عقد نکاح (ازدواج) و مجاز در وطی (آمیزش‌جنسی) است.[۱] برخی دیگر معتقدند نکاح مشترک بین هر دو معنی (عقد ازدواج و وطی) است؛ زیرا در هر دو استعمال شده و اصل در استعمال، حقیقت است.[۲] جمعی نیز گفته‌اند؛ استعمال لفظ نکاح در هر دو معنی مجازی است. در مصباح المنیر آمده است: «نکاح در اصل به معنی «التقاء» یا به معنی «ضم و انضمام» یا به معنی «اختلاط» یا به معنای «غلبه» می‌باشد؛ لذا هم در عقد و هم در وطی مجاز است؛ زیرا مأخوذ از معنی دیگر است» در تأیید این قول گفته می‌شود که هیچ یک از این دو معنی (عقد و وطی) از لفظ نکاح فهمیده نمی‌شود، مگر با قرینه و قرینه نیز علامت مجاز است. اما بنابر قول مشهور نکاح در لغت، حقیقت در و در لسان شرع، حقیقت در عقد است.[۳]

بسیاری از فقها تعریف خاصی در خصوص عقد نکاح ارائه نکرده‌اند؛ اما برخی از فقهای عامه و خاصه تعاریفی در این زمینه ارائه نموده‌اند و تعابیر مختلفی در خصوص معنای اصطلاحی نکاح از سوی آن

۱- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۰ق، لسان العرب، بیروت، لبنان، نشر دارصادر، چ۱، ج۲، ص۵۰۵.

۲- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، صحاح اللغه، بیروت، دارالعلم للملایین، چ۴، ج۱، ص۴۱۳.

۳- نجفی، محمدحسن، ۱۹۸۱م، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌چا، ج۲۹، ص۵۲۴.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

بزرگواران ارائه شده است. حاصل تعاریف علمای اهل سنت آن است که نکاح عقدی است که با اجرای آن استمتاع هر یک از زوجین از دیگری بر وجه مشروع، مباح می‌شود. بنا به نظر برخی، عقدی است که متضمن اباحه وطی باشد.[۴]

در کتاب مصطلاحات الفقه در تعریف اصطلاحی نکاح آمده است: «نکاح عبارت است از علقه‌ی خاص اعتباری که قابل جعل و انشا با لفظ و شبه آن می‌باشد»[۵] از نظر صاحب‌جواهر نکاح جز نقل و تسلیط بر بضع و اثبات سلطنت بر آن نیست

نکاح یا همان ازدواج در قانون مدنی ایران تعریف مشخصی ندارد و شاید بداهت این امر موجب شده تا قانونگذار خود را ملزم به این تعریف ننماید ولی شاید متنوع بودن آثار و نتایج نکاح و مفقود بودن ارکان و عناصر اصلی در این امر مزید بر علت بوده است. نکاح در لغت به معنی ضم و پیوستن است و در اصطلاح حقوقی آن را چنین تعریف می کنیم: «نکاح قراردادی است که به موجب آن مرد و زن در زندگی با هم شریک و متحد شده، خانواده ای تشکیل می دهند». بر این تعریف این اشکال ممکن است واقع شود که این تعریف جامع نیست از آن جهت که شامل نکاح موقت نمی شود ولی می توان در پاسخ چنین گفت که در ازدواج موقت نیز نوعی تشکیل خانواده مد نظر است، این نوع نکاح از لحاظ استحکام خانواده مانند ازدواج دائم نسیت و تعاون و همبستگی در نکاح دائم به مراتب بیشتر از نکاح موقت است. بعضی از اساتید و بزرگان حقوق در تعریف نکاح چنین گفته اند: «نکاح عبارت است از رابطه حقوقی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می شود و به آنها حق می دهد که از یکدیگر تمتع جنسی ببرند».[۶]

۲ -فرزند خوانده

معادل اصطلاح فرزندخواندگی در زبان عربی "دعی" است که به معنای قبول کردن، پذیرفتن، مربوط ساختن، نام‌گذاردن آمده است. واژه "تبنی" نیز در زبان عربی معادل فرزندخواندگی آمده[۱] تبنی از "ابن" گرفته شده است و معنی دقیق آن "پسر گرفتن" که با پیشینه تاریخی آن در میان اعراب، کاملاً متناسب است؛ چرا که دختران هیچ‌گاه مطلوب و مورد توجه نبوده‌اند. . فرزندخواندگی یا تبنی آن است که شخص یا اشخاص دیگری را که فرزند طبیعی او نیست به فرزندی خود بپذیرد. فرزندخواندگی در صورتی که به رسمیت شناخته شده باشد، نوعی قرابت ایجاد می‌کند؛ قرابتی که صرفاً حقوقی است نه طبیعی، به عبارت دیگر با قبول فرزندخواندگی، قانون یک رابطه مصنوعی پدر فرزندی یا مادرفرزندی بین دو نفر ایجاد

۱- شربینی، محمد بن احمد، ۱۳۷۷ق، مغنی المحتاج، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌چا، ج۳، ص۱۲۳.

۲- مشکینی، علی، ۱۴۱۹ق، مصطلحات الفقه، بی‌جا، نشر الهادی، بی‌چا، ص۵۴۶.

۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۱، ترمینولوژی حقوقی، گنج دانش، چاپ دوازدهم، ص ۴۸۲.

۴- ارفع نیا، بهشید، ۱۳۷۹، حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات بهتاب، چاپ سوم، جلد دوم، ص۵۶.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

می‌کند.[۸] فرزندخوانده فرزندی است که از طریق رابطه حقوقی فرزندخواندگی، عنوان فرزند یافته است؛ رابطه‌ای که بین فرزندخوانده و خانواده سرپرست وجود دارد یک رابطه حکمی است و این رابطه ممکن است در اثر فوت یکی از طرفین به هم خورد، در صورتی که رابطه فرزند واقعی و طبیعی با والدین هیچ‌گاه قطع نمی‌شود. فرزندخواندگی در لغت از فرزند خواندن تشکیل شده است و بدین معناست که شخصی، کسی را که با وی رابطه پدری یا مادری ندارد به فرزندی بپذیرند.[۹] در زبان عربی دو واژه دعی یا تبنی را نیز معادل فرزندخواندگی در نظر گرفته‌اند. در اصطلاح حقوقی فرزندخواندگی یا تبنی آن است که کسی دیگری را که فرزند طبیعی او نیست به فرزندی بپذیرد. وقتی گفته می‌شود که با قبول فرزندخواندگی یک رابطه مصنوعی پدر- فرزندی یا مادر فرزندی بین دو نفر ایجاد می‌شود[۱۰] این برداشت از فرزند خواندگی می‌شود که در واقع این نهاد صرفاً یک نهاد حقوقی است نه طبیعی. حقوق اسلام، فرزندخواندگی را حتی به عنوان یک نهاد حقوقی صوری نپذیرفته است و استناد اندیشمندان در این رابطه آیات ۴ و۵ سوره احزاب و به شرح زیر است:

«خداوند فرزندخواندگان شما را فرزندانتان قرار نداده است این گفته شما به زبان‌هایتان است و خدا به حق سخن می‌گوید و به راه راست هدایت می‌کنند. پسر خوانده‌ها را به پدرانشان نسبت دهید که نزد خدا به عدالت نزدیک‌تر است»[۱۱]

ب: پیشینه تاریخی فرزندخواندگی

۱- قبل از اسلام

در حقوق سامانیان پذیرفتن فرزندخوانده امری کاملاً مرسوم بود. زرتشتیان که در آن زمان بیشترین درصد جمعیت ایران را تشکیل میدادند معتقد بودند فرزند هر کس پل ورود او به بهشت است و افراد فاقد اولاد در روز قیامت پلی ندارند تا از طریق آن وارد بهشت گردند، لذا کسانی که صاحب فرزند نبودند برای رفع این نقیصه و طلب آمرزش و عبور از پل صراط فرزندی بدلی برای خود انتخاب میکردند. در آن زمان در ایران سه نوع فرزندخواندگی مرسوم بود: ۱-فرزندخوانده انتخابی و آن فرزندخوانده ای بود که پدر و مادر فاقد فرزند او را در زمان حیات به فرزندی میپذیرفتند. ۲- فرزندخوانده قهری که زن ممتازه یا دختر منحصر متوفایی بود که آن متوفی برادر یا پسری نداشت که در این صورت آن زن یا دختر به طور قهری فرزندخوانده متوفی محسوب میشد. ۳- فرزندخوانده‌های که ورثه متوفی بدون اولاد بعد از فوتش برای او

۱- صفائی (سید حسین) و امامی(اسد الله)، ۱۳۷۴، حقوق خانواده، چاپ سوم، جلد دوم (قرابت و نسب)، ص۲۳

۲- آذرنوش، آذرتابش، ۱۳۸۶، فرهنگ معاصر غربی و فارسی، تهران، نشرنی، چاپ هشتم، ص۱۴۳.

۳- امامی، اسدالله، ۱۳۴۹، حقوق نسب در حقوق ایران و فرانسه، پایان نامه تحصیلی دوره دکتری حقوق رشته قضایی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ص۴۲.

۴- توریان، علی، بررسی ابعاد حقوقی فرزندخواندگی و تحویل اطفال به دیگری، نشریه پیام آموزش، شماره ۳۵و۳۶.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

انتخاب میکردند. فرزندخوانده از هر نوع که بود به قائم مقامی متوفی مراسم مذهبی را انجام میداد و تمام اختیارات و قدرت متوفی به فرزندخوانده وی انتقال می‌یافت.[۱۲]

۲- بعد از اسلام

اساس تلاش اسلام و پیغمبر(ص) بر شکستن بتهای نفس و نابود کردن بسیاری از معیارهای غلط دوران جاهلیت و جایگزین کردن ارز شهای واقعی و کرامت های نفسانی بر مفاخر واهی قبیله ای و عشیره ای و برتری دادن تقوا بر قدرت مادی و ظاهری و استقرار عدالت و ریشه کن کردن اختلاف طبقاتی استوار بود و برای نیل به این اهداف، پیغمبر(ص) طرق مختلفی را می‌پیمود و از ابزار متفاوتی استفاده میکرد. زید بن شراحیل کلبی از قبیله بنی عبدود به روایتی برده و اسیری بود که شخصی به نام حکیم بن حزام از بازار عکاظ خریداری و در مکه به خدیجه همسر پیغمبر(ص) فروخت و خدیجه، زید را به همسر خود بخشیده بود که بعد از مدتی این غلام آزاد شد و: پیغمبر(ص) او را به فرزندخواندگی پذیرفت.[۱۳]بنا به روایت دیگری پیغمبر (ص) قبل از بعثت، زید را که اسیر جنگی بود شخصاً خریداری و آزاد کرده بود. مسلمین نیز از تاریخ نزول آیات۴ و ۵ سوره احزاب زید را به نام پدر واقعی او زید بن حارثه صدا میکردند. به تبع احکامی که مربوط به فرزندخواندگی بود مانند توارث و ایجاد خویشاوندی و نفقه و امثال آن جملگی لغو گردید.

با توجه به آنچه گفته شد، ممکن است تصور شود که فرزندخواندگی در اسلام به طور کلی منسوخ شده است، ولی به نظر میرسد با توجه به دلایل زیر برداشت فوق مخدوش باشد: اولاً: در حقوق اسلام فرزندخواندگی وداشتن فرزندخوانده ممنوع نشده و نمیتوان دلیل محکمی‌بر ممنوعیت آن ارائه کرد. ثانیاً: آیات ۴ و ۳۷ سوره احزاب در مقام بیان واقعیت است تا آنچه خلاف حقیقت در ذهن مردم نسبت به فرزندان واقعی و فرزندخواندگان به وجود آمده بود تفکیک و متمایز گردد و تفاوت دو نوع فرزند روشن شود؛لذا شارع در مقام الغای فرزندخواندگان نبوده است. ثالثاً: اگربا توجه به آیات ۴ و ۳۷ مذکور، تردیدی در اباحه و حرمت فرزندخواندگی به وجود آید، طبق قاعده عقلی و شرعی اصاله الاباحه، داشتن فرزندخوانده امری مباح است. رابعاً: تغییر آثار حقوقی فرزندخواندگی مرسوم در دوره جاهلیت دلالت بر نسخ کامل آن ندارد. خامساً: پیغمبر(ص) بعد اززنزول آیات مربوط به فرزندخواندگی، زید را از خانواده خود طرد نکردو هیچ گونه اخلالی در روابط عاطفی موجود بین زید و پیغمبر(ص) تا زمانی که زید در قید حیات بود به وجود نیامد که خود دلالت بر وجود و بقای این نهاد حقوقی است.[۱۴]اگر برای بررسی

۱- امامی، اسدالله، ۱۳۸۸، مقاله وضع حقوقی فرزندخواندگی در ایران، بانک مقالات حقوقی، ص۱۲۷.

۲- صفایی، حسین. امامی، اسدالله، ۱۳۸۵، حقوق خانواده:نکاح و انحلال آن (فتح و طلاق)، دانشگاه تهران مؤسسه انتشارات وزیری، چاپ ششم، جلد یک، ص۲۹

۳- امامی، منبع پیشین، ص۳۰.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

فرزندخواندگی یا نهاد مشابه آن به کتب فقهی مراجعه کنیم، در باب اولاد یا نسب، چنین بحثی را نخواهیم یافت. دلیل آن هم واضح است، چون از نظر فقهای شیعه و سنی، فرزندخواندگی رابطه نسبی ایجاد نمی‌کند و فرزندخوانده هم فرزند محسوب نمی‌شود. نهادی مشابه فرزندخواندگی در اسلام وضع شده است که دارای کارکرد است. کمک به «حمایت از اطفال بی سرپرست» دیگری یعنی یتیمان و اطفال بی‌سرپرست در اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته است و توصیه های اخلاقی بسیاری در خصوص آن صادر شده است.

ج: مشروعیت ازدواج با فرزند خوانده

۱ - قرآن

۱-۱ - آیه چهارم سوره احزاب

خداوند در این آیه می فرماید:

خداوند برای هیچ مردی دو قلب در درونش قرار نداده است و همسرانتان را که با آنها اظهار می‌کنید مادران (واقعی) شما قرار نداده و پسر خوانده هایتان را نیز پسران (واقعی) شما قرار نداده.[۱۵]این سخنان گفتار سخیف و بی پایه ای است که بر زبان می رانید، در حالی که خداوند حق را میگوید و اوست که به راه (راست) هدایت می کند.

خداوند در ایه شریفه به دو رسن واعتقاد جاهلی اشاره کرده و انها را اعتقاداتی باطل و بی اساس معرفی می‌کند که عبارتند از:

یک اعراب، فرزند خواندگان خویش را مانند فرزندان واقعی خود تصور کرده و تمام احکام فرزندان واقعی را بر آنها نیز مرتب می ساختند.

دو. اعراب جاهلی با گفتن عبارت «پشت تو مانند پشت مادر من است» به همسران خود، آنها را طلاق داده واز آنها جدا می شدند. خداوند در این آیه تصریح می فرماید که به صرف گفتن چنین عباراتی و یا داشتن چنین اعتقاداتی، هیچ گاه همسر حکم مادر واقعی و فرزند خوانده حکم فرزند واقعی را پیدا نمی‌کند؛ زیرا ممکن نیست شخصی هم همسر و مادر یک نفر باشد همچنین ممکن است شخصی هم فرزند دو نفر (سرپرست و پدر واقعی) باشد همچنان که ممکن نیتس خداوند دو قلب (دو اعتقاد متضاد) را در درون کسی قرار داده باشد.[۱۶]بر اساس ذیل ایه شریفه سخن (اعتقاد) حق آن است که فرزند خوانده، فرزند واقعی تلقی نشود و چنین اعتقادی موجب هدایت خواهد بود.[۱۷]

۱- مَا جَعلَ اللهُ لِجَلُ مِن قبلین فی جوفه وَمَا جَعَل ازواجکُم الأئی تظاهرون منهنَّ اُمَّهاتِکُم وَ ما جَعَل ادعیاَ کُم اَبناکُم ذلکُم قَولُکُم بافواهیکُم واللهُ یَقُولُ الحَقَّ وَ هُوَ یَهدی السَّبیل

۲- طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۱۷، تفسیرالمیزان، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ پنجم، صص ۲۷۵-۲۷۴،

۳- فخر رازی، ابوعبدالله، ۱۴۲۰، مفاتیح الغیب، بیروت، انتشارات دارالاحیا، ، چاپ سوم، ج ۲۵، ص ۱۵۵.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۲-۱- آیه پنجم سوره احزاب

ادعُوهم الابائهِم هُوَ اقَسطُ اللهَ فَإن آبَاءَهُم فَاخوانُکُم الدِّین وَ مَوالِیکُم. . . »

شما پسر خوانده ها را به پدران واقعی شان نسبت دهید که این نزد خدا به عدل وراستی نزدیک تر است و اگر پدران واقعی شان را نمی شناسید به عنوان برادر دینی یا دوست خطابشان کنید.

پس از آنکه خداوند متعال در آیه پیشین، فرزند خواندگان را فرزندان حقیقی ندانسته وداشتن چنین اعتقادی را سخنی باطل و اعتقادی نادرست برشمرد، در این ایه شریفه حکم تکمیلی دیگری را صادر کرده وبه مسلمااان بلکه آحاد افراد جامعه فرمان می دهد که فرزند خواندگان را خود منتسب نکنند بلکه در صورتی که پدران آنها معلوم باشند، به پدران واقعی شان منتسب کند و اگر پدران واقعی آنها را نمی‌شناسد، ایشان را برادران و دوستان خویش خطاب کند به این ترتیب، خداوند نه تنها فرزند خوانده را فرزندانی حقیقی نمی داند، بلکه دستور می دهد که فرزند خوانده بودن شخص، از حالت مخفی بودن خارج شده و اشکار و روشن گردد زیرا نسب واقعی شخص آثار متعددی در امور مدنی و کیفری مترتب است[۱۸] از جمله اینکه:

الف) دیه فرزند واقعی به والدینش و دیه فرزند خوانده ای که بستگانش معلوم نیست به امام می رسد نه سرپرستان او.

ب) عاقله فرزند واقعی پدرو بستگان پدری است و عاقله فرزندخوانده ای که نسبت واقعی اش معلوم نیست امام است نه سرپرستان او

ج) فرزند واقعی جزو محارم انسان است و فرزند خوانده جز محارم شخص محسوب نمی شود.

د) بین فرزند واقعی با والدین او توارث وجود داشته و هر یک از دیگری ارث می برد در حالی که بین فرزند خواندگان و سرپرستان چنین ارتباطی وجود ندارد و این دو از یکدیگر ارث نمی برد مگر از طریق وصیت [۱۹]

به همین دیل است که در ماده ۲۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست سال ۹۲، برخلاف ماده ۱۴ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب سال ۱۳۵۳ بنا[۲] این امر تصریح شده است که هویت واقعی کودک تحت سرپرستی باید به اداره ثبت احوال و در پرونده کودک محفوظ بماند.[۲۱]

ماده مزبور مقرر داشته است:

۱- عالمی طامه، حسن، ۱۳۹۳، فرزندخواندگی در اسلام، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، صص۴۱-۳۹.

۲- عالمی طامه، حسن، منبع پیشین، ص۴۳.

۳- ماده مزبور مقرر می دارد: مفاد حکم قطعی سرپرستی به اداره ثبت احوال ابلاغ و اسناد سجلی زوجین سرپرست و طفل درج شده و شناسنامه جدیدی برای طفل با مشخصات زوجین سرپرست و نام خانوادگی زوج صادر خواهد شد.

۴- وزیری، مجید، ۱۳۸۴، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ص۴۶.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

پس از صدور حکم قطعای سرپرستی، مفاد حکم از سوی دادگاه به اداره ثبت احوال ابلاغ می شود اداره ثبت احوال مکلف است که نام کودک یا نوجوان تحت سرپرستی را در اسناد سجلی زوجین سرپرست وارد می‌کند و همچنین شناسنامه جدیدی برای کودک یا نوجوان تحت سرپرستی با درج نام زوجین سرپرست و نام و نام خانوادگی سرپرست صادر کند.[۲۲]

۳-۱ - آیه ۳۷ سوره احزاب[۲۳]

و (یادآر) وقتی که به آن کس که خدایش نعمت اسلام بخشید و تواش نعمت آزادی (یعنی زید بن حارثه، به نصیحت) می گفتنی: زن خویش را نگه دار و از خدا بترس (و طلاقش مده) و انچه در دل پنهان می‌داشتی (که زینب را بگیری و حرمت ازدواج با زن پسر خوانده را که در جاهلیت بود منسوخ کنی) خدا می‌خواست آشکارسازد و تو از (مخالفت و سرزنش) خلق می‌ترسیدی و حال انکه سزاوار تر از خدا بترسی-پس چون زید از آن زن کام دل گرفت (و طلاقش داد) ما او را نکاح تو در اوردیم تا مومنان در نکاح زنان پسرخوانده خود که از آنها کامیاب شدند (طلاق دادند) بر خویش حرج و گناهی نپندارند، و فرمان خدا انجام شدنی است. چنانکه بسیاری از مفسران تصریح کرده اند شان نزول ایه شریفه در مورد زید بن حارثه است زید غلام پیامبرگرامی اسلام بود که ایشان او را ازاد کرده و به فرزند پذیرفت و پس از زینب دختر عمه خویش را به تزویج او درآورد بین زید وز ینب پس از مدتی اختلاف به وجود امد پیامبر بارها به زید نصیحت می فرمود ند که با همسرش مهربانی کرده واو را نگه دارد واز فکر طلاق منصرف شود. لیکن این نصایح کارگر نیفتاد و زید همسرش را طلاق داد خداوند به حضرت فرمان داد تا زینب را به همسری برگزیند، ولی پیامبر اسلام از طعن و کنایه منافقان و جاهلان، دل نگران خوفناک بودند و از این رو مدتی اجرای این فرمان را به تاخیر انداختند. دلیل نگرانی پیامبر آن بود که اعراب جاهلی فرزند خوانده را مثل فرزند واقعی می پنداشتند و همچنان که ازدواج پدر با زن فرزند (عروس خویش) را پس از متارکه فرزند وهمسرش امری قبیح می شمردند ازدواج پدر خوانده با همسر فرزند خواندگان را نیز امری قبیح و ممنوع می دانستند خداوند برای شکستن این اعتقاد ناصواب جاهلی پیامبر را بر خلاف میل باطنی اش ازدواج با همسر فرزند خوانده اش، یعنی زینب مامور کرد تا افرادی که قصد چنین وصلت های را دارند در مشقت و سختی قرار نگیرند.[۲۴]

۱- حکمت نیا، محمود، بررسی فقهی و حقوقی ازدواج با فرزند خوانده، مجله فقه پویا، ش ۱۰۱، ص ۲۲.

۲- وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذی أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِ أَمْسِکْ عَلَیْکَ زَوْجَکَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تُخْفی فی نَفْسِکَ مَا اللَّهُ مُبْدیهِ وَ تَخْشَی النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشاهُ فَلَمَّا قَضی زَیْدٌ مِنْها وَطَراً زَوَّجْناکَها لِکَیْ لا یَکُونَ عَلَی الْمُؤْمِنینَ حَرَجٌ فی أَزْواجِ أَدْعِیائِهِمْ إِذا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَراً وَ کانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولاً

۳- فیض کاشانی، محسن، ۱۴۱۱، تفسیر صافی، قم، انتشارات دفتر تبلیغ اسلامی، چاپ اول، ج ۴، ص ۱۹۱.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۲ - روایات

در روایات متعددی از اینکه نسب اشخاص تغییر داده شود، به شدت نهی شده است خواه این تغییر نسبت به وسیله فرزند پذیر باشد یا فرزند خواه ویا دیگران در روایتی که ابن ابی عمیر با سند صحیح از امام باقر و صادق علیهم اسلام نقل کرده آمده است که این دو امام بزرگوار فرمودند:

کفر بالله العظیم الانتفاء من حَسَب وإن دَقَّ؛ [۲۵]

انکار نسب کفر به خدااای عظیم است اگرچه آن نسبت دور و کم ارزش باشد در روایت صحیح دیگری از ابوبصیر چنین امده است که امام صادق (ع) فرمودند:

کفر باله من تبرا من نسب و ان دق گسی که از نسب خود تبری بجوید، و به خداوند کافر شده است.

در بخی از روایت صحیحی که کلیب اسدی از امام صادق (ع) نقل کرده، چنین آمده است:

. . و مَن ادَّعَی غَیر ابیه فَهُوَ کافر بما انزَل عَزَّ وَجَلَّ ...

کسی که خود ربه غیر پدرش منتسب سازد به انچه که خداوند نازل فرموده، کافر شده است. بر اساس روایات مذکور، تغییر نسب افرادبه هیچ عنوان مورد رضایت شارع نیست و هر فردی در هر حال ملحق به والدین حقیقی خویش است. در این صورت بین او و سرپرستانش رابطه نسبی وجود نخواهد داشت تا موجب حرمت و ممنوعیت نکاح شود. بر اساس روایات، حتی تلقی کردن فرزند خوانده به عنوان فرزند واقعی و تغییر ماهیت واقعی کودک، عملی کفر آمیز است. بنابراین، باید توجه داشت که چنانچه گرفتن شناسنامه جدید برای کودک با هویت خانواگی فرزند پروری، موجب محو شدن نسبت واقعی کودک و تغییر نسبت فرزند خوانده شود، عملی غیر شرعی است.

ج: فتاوای فقها

اسباب ممنوعیت نکاح و مورد ان به طورکامل، دقیق و مضبوط در شریعت اسلام بیان شده است که فرزند خواندگی جزو هیچ یک از آن موارد نیست فقهایی که مباحث خود را به موضوع فرزند و اندکی اشاره کرده اند، هیچ یک از اثار شرعی فرزند واقعی را به فرزند خواندگی مرتب ندانسته اند بنابراین، مانعی برای ازدواج بین فرزند خوانده با پدر خوانده یا مادر خوانده خود وجود ندارد. مقام معظم رهبری [۲۷] نیز در پاسه به سوالی می فرمایند: «فرزند خوانده فرزند نیست وارث نمی برد.» [۲۸] امام خمینی (ره) در پاسخ به سوالی در این رابطه می‌گویند: «بر فرزند خواندگی اثار شرعی بنوت مترتب نمی‌شود» آیت الله تبریزی نیز در پاسخ به سوالی تصریح می‌کند «هیچ یکی از احکام ارث و نفقه و ولایت. . . مترتب نمی شود وشناسنامه به طور

۱- کلینی، الکافی، منبع پیشین، ج ۲، ص ۳۵۰.

۲- حر عاملی، ۱۳۸۶، وسائل الشیعه، تهران، انتشارات دانشگاه، چاپ نهم، ج ۲۱، ص ۵۰۷.

۳- علامه حلی، ۱۴۱۱، ذکره الفقها فقم، مکتبه المرتضویه، چاپ چهارم، ص ۶۳۱.

۴- گنجینه استفتائات قضایی، ۱۳۹۰، موسسه آموزشی و پیوهشی قضا، قم، نسخه دوم، سوال ۵۳۶۲.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مطلق گرفتن جایز نیست باید درشناسنامه فرزن خواندگی قید شود که در نسبت خللی وارد نشود.[۲۹]آیت الله خویی نیز در پاسخ به سوالی می نویسد « فرنزد خواندگی و انچه که ازمه فرزند خواندگی است یا اقتضای آن است جایز نیست.»[۳۰]همچنین آیت الله گلپایگانی در فتوایی تصریح می کند:

«فرزند خواندگی جایز نبوده و احکام بین پدر و فرزند از قبیل توارث و محرمیت و. . در میان آنها جاری نیست»[۳۱]تصریح می کند: هیچ یک از احکام ارث و نفقه و ولایت. . . مترتب نمی‌شود وشناسنامه به طور مطلق گرفتن جایز نیست. باید در شناسنامه فرزند خواندگی قید شود که در نسب خللی وارد نشود»[۳۲]آیت الله خویی نیز در پاسخ به سوالی می نویسند: «فرزند خواندگی و انچه که لازمه فرزند خواندگی است یا اقتضای آن است جایز نیست.[۳۳]همچنین آیت الله گلپایگانی در فتوایی تصریح می کند: فرزند خواندگی جایز نبوده و احکام بین پدر و فرزند از قبیل توارث ومحرمیت و در میان آنها جاری نیست. همچنین آیتالله گلپایگانی در فتوایی تصریح می کند: «فرزند خواندگی جایز نبوده و احکام بین پدر و فرزند از قبیل توارث و محرمیت و. . در میان انها جاری نیست.» البته روشن است که حکمن جواز ازدواج بین فرزند خوانده با سرپرستان آنها مربوط به حالتی است که بین انها به یکی از طرق شرعی محرمیت ایجاد نشده باشد.[۳۴]

د: حلیت ازدواج با فرزند خوانده

در شریعت اسلام پیوند "علقه" خانوادگی از سه راه امکان پذیر است. نسبی (خونی)، سببی (پیوند زناشویی) و رضایی (از طریق شیر خوردن کودکان). این رابطه ها در سطح افقی (مثل پدر و مادر) و در سطح عمودی (مثل خواهر و برادر)، موضوع احکام شرعی می شوند. در این پیوندهای خانوادگی، علاوه بر مسایلی مثل ارث، مساله محرم و نامحرمی نیز مطرح می شود. جنس مخالف در این پیوندهای سه گانه "محرم" نامیده می شوند. این واژه به دو معنا به کار برده می شود:

اول، "محرم از جهت حجاب" بستگان فوق نیازی به پوشش حجاب مصطلح در برابر یکدیگر ندارند. دوم، "محرم از جهت حرام بودن ازدواج" این افراد به دلیل این که عضو یک کانون خانوادگی هستند، نمی‌توانند با یکدیگر ازدواج کنند. نمونه ها ومصادیق این دو گونه محارم، نزدیک به هم هستند ولی تفاوت‌هایی دارند، به عنوان نمونه، به هنگام پایداری پیوند زناشویی، خواهر زن به معنای اول (حجاب) محرم نیست ولی به معنای دوم (ازدواج) محرم است و نمی توان همزمان با وی ازدواج کرد.[۳۵]از دیدگاه

۱- تبریزی، جواد، ۱۳۸۵، استفتاء ات جدید، چاپ اول، ج۱، ص ۳۷۲.

۲- خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۶، صراط النجاه، قم، مکتب نشر المنتخب، چاپ اول، ج ۱، ص ۳۳۵.

۳- کلپایگانی، محمد رضا، ۱۴۱۳، ارشاد السائل، بیروت، دار الصفه، چاپ دوم، ص ۱۱۴.

۴- تبریزی، همان ۳۷۲

۵- خویی، همان

۶- کلپایگانی، منبع پیشین، ص ۱۱۵.

۷- شایان فر، جواد ، منبع پیشین.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مشهور فقهی، پیوند "فرزند خواندگی" در هیچکدام از پیوندهای سه گانه فوق قرار نمی گیرد، زیرا در متون اسلامی، حکم مستقل و ویژه ای در این مورد وجود ندارد. بنابراین، فرزندخوانده به هیچکدام از دو معنای فوق محرم نیست، یعنی حجاب لازم است و ازدواج با وی نیز حرمتی ندارد. متدینین غالباً به دنبال راه حلی بوده اند تا برای آسان کردن معاشرت با فرزند خواندگان، به شکلی محرمیت ایجاد شود.[۳۶] یعنی دغدغه آنان، ایجاد محرمیت به معنای بی نیازی از حجاب بوده است. راهکار سنتی، ایجاد پیوند شرعی با فرزند خوانده است. پیوند اول)نسبی(قطعاً ممکن نیست، لذا گاهی از طریق ایجاد پیوند نوع دوم (سببی) اقدام می کردند.

برای مثال بین "پسرخوانده " و دختر خانواده (فرزند نسبی) صیغه محرمیت چند ساعته می خواندند، در این صورت مادر خوانده با وی محرم می شده است. این پیوند گاهی از طریق سوم (شیرخوردن) انجام می شد. در برخی موارد محرمیت سببی ممکن نیست و گاهی امکان شیر دادن نیز نیست. در این گونه موارد، به دلیل عدم امکان راه‌های سنتی، متون و فتاوای مشهور فقهی نمی تواند راهکاری ارایه کند. برخی از فقهای معاصر راهکارهایی ارائه داده اند، برخی از آنان با استناد به آیه عدم نیاز به حجاب مصطلح برای زنانی که پا به سنی گذاشته وجاذبه جنسی ندارند (والقواعد من النساء. . . . سوره نور ۲۱)، استدلال کرده اند که فرزند خوانده نیز همین حکم را دارد و چون رابطه عرفی پدری، مادری و فرزندی ایجاد شده است.[۳۸] در شرایط طبیعی، وجود جاذبه‌های جنسی مفهومی ندارد. لذا اینان با یکدیگر محرم می‌شوند. (محرم حجابی) در مورد محرمیت فرزند خواندگان به معنای دوم (منع ازدواج)، چون این رابطه، از پیوند های سه گانه فوق نیست، فقها حکم به جواز ازدواج داده اند.[۳۹]

البته با استدلال قبلی در مورد محرمیت حجابی ممکن است به حرمت دوم (حرام بودن ازدواج) نیز برسیم. ولی چون برخی از فقیهان به شرایط اضطراری و عدم امکان حجاب در این موارد استناد کرده اند، در مورد محرمیت ازدواجی، وضعیت را اضطراری نمی بینند. لذا حکم به جواز ازدواج می‌دهند. به نظر می رسد فتاوای مبتنی بر جواز ازدواج با فرزند خوانده، هر چند منطبق با ظاهر متن متون فقهی است، ولی با روح و محتوای فقه و با سایر قواعد فقهی ناسازگار است. فتوای فقیهان نیز ناشی از عدم توجه آنان به صورت مساله است. اگر برای فقیهان صورت مساله واکاوی شود و به مفاسد فردی و اجتماعی این جواز اشاره شود، چه بسا پاسخ فقیهان نیز متفاوت گردد. احکام شرعی بر مبنای مفاسد و مصالحی هستند که بدون توجه به آنان، خروجی فتاوا، کارآمد نیست. فقیهان فتوا می دهند که روزه واجب در صورت احتمال و

۱- درویش گفتار، احمد، ۱۳۹۳، حقوق اقلیت‌ها در قرآن، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ نهم، ص۲۹.

۲- شریعتی، روح‌الله، ۱۳۹۲، حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی، قم، بوستان کتاب، چاپ هفتم، ص۴۵.

۳- مولایی نژاد، میترا، ۱۳۹۲، ازدواج فرزند خوانده با سرپرست در شکل گیری روابط والد وفرزندی اختلال ایجاد می کند، ، کد خبر ۴۳۹۴۵۹، ص۱۳.

۴- مولایی نژاد، منبع پیشین.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

ترس عقلایی ضرر و زیان، حرام می شود. یا خوردن میوه مباح، با احتمال ضرر حرام می شود. در این گونه موارد بیم و ترس و احتمال عقلایی زیانمند بودن فعلی، کافی است که آن امر واجب و یا مباح تبدیل به حرام گردد.[۴۰]

ه: تبعات فرزندخواندگی

۱ - نفقه فرزندخوانده

فراهم کردن مایحتاج زندگی فرزندخوانده بر عهده سرپرست است. برابر ماده ۱۱ قانون حمایت از اطفال بدون سرپرست، وظایف و تکالیف سرپرست نسبت به طفل تحت سرپرستی او از لحاظ نگاهداری و تربیت و نفقه و احترام، نظیر حقوق و تکالیف ایشان نسبت به اولاد و پدر و مادرش است و بر اساس ملاک مستنبط از ماده ۱۱۹۹ ق. م. نفقه فرزندخوانده بر عهده پدرخوانده است و پس از فوت پدرخوانده یا عدم قدرت او به انفاق یا عدم امکان دریافت نفقه از پدرخوانده، نفقه فرزندخوانده از اموال و دارایی مادرخوانده استیفاء خواهدشد[۴۱] اجداد پدرخوانده با توجه به عدم توارث و نبودن قرابت واقعی و خونی، تکلیف انفاق به فرزندخوانده اولاد و احفاد خود ندارند.

باتوجه به بررسی هایی که دراسباب نفقه (اقارب حیوان) صورت گرفته فرزندخوانده در هیچ یک از آنها نمی‌گنجند ولی به نظر میرسد با قبول سرپرستی کودک و تعهد و قراردادی که پدر و مادر خوانده نسبت به کودک داده اند و با استفاده از ماده ۱۰ قانون مدنی (قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است) نفقه کودک بر عهده پدرخوانده و مادرخوانده میباشد. و همان قواعد حاکم بر انفاق خویشان نسبی برآن حکم فرماست. طبق ماده ۱۱ قانون جدید فرزندخواندگی، پرداخت نفقه فرزندخوانده از جمله تکالیف سرپرست وی می‌باشد که چنین مقرر می‌دارد: «وظایف و تکالیف سرپرست و طفل تحت سرپرستی او از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر است. در صورت استنکاف از پرداخت آن، فرزندخوانده حق مطالبه نفقه را به صورت حقوقی از دادگاه صالحه دارد و به خاطر اهمیت این مسئله برابر تبصره ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده جدید مصوب ۹۱/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی‌می‌توان به مسئولیت کیفری سرپرست اشاره کرد.[۴۲]

۱- پوربابایی، هاشم، ۱۳۹۴، هیاهوی وصلتی که هیچ کس به آن راضی راضی نیست، " میزکرد جالشی خبرگزاری ایسنا در مورد ازدواج سربرست با فرزند خوانده، ۹۲۰۷۱۷۱۱۰۲۵، ص۲۴.

۲- محلاتی، شهربانو، ۱۳۹۲، بررسی قوانین فقهی-حقوقی کودکان در زمینه نسب و فرزندخواندگی، تهران، شبر، چاپ سوم، ص۷۹.

۳- محلاتی، همان.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۲ - ارث فرزندخوانده

فرزندخواندگی از موجبات ارث نمی‌باشد یعنی نه کودک از پدر و مادر سرپرست و نه آنها از کودک ارث خواهند برد. ولی همانگونه که می‌دانیم پدر و مادر سرپرست برای حفظ و نگهداری کودک بی‌سرپرست او را تحت حمایت خود گرفته اند و هدفشان این است که اموال خود را برای این کودک به نوعی ارث بگذارند. راه حلی که قانون به آن تصریح دارد، وصیت می‌باشد یعنی می‌توانند تا یک سوم اموالشان را برای این کودک وصیت کنند. در مسأله ارث در شریعت مقدس اسلام بر اساس عناوینی که در قرآن مجید با ذکر مشخصات وارث و مورث مشخص شده است، وارث می‌بایست دارای یکی از مشخصه‌هایی که در فقه اسلامیو قرآن و سنّت اعلام شده است، باشد تا بتواند از مورث ارث ببرد. مسأله فرزندخواندگی یا به تعبیر دیگر، سرپرستی از این کودکان نمی‌تواند بر هیچ یک از عناوین سببی و نسبی منطبق شود و این کودکان در زمره وارثین محسوب شوند مگر اینکه انسان در زمان حیات خود مقداری از ترکه خود را برای فرزندخوانده وصیت کند. این وصیت نیز نمی‌بایست بیش از ثلث اموال باشد.

چون وصیت تا ثلث نافذ است و در مورد مازاد بر ثلث، مابقی ورثه باید قبول کنند. براساس ماده ۲ قانون مذکور و به استناد ماده ۸۶۱ قانون مدنی، فرزندخواندگی از موجبات ارث نیست. یعنی نه فرزندخوانده از پدر و مادرخوانده‌اش و نه آنان از فرزندخوانده ارث می‌برند. به بیان قانون: «این سرپرستی به منظور تامین منافع مادی و معنوی طفل برقرار می‌گردد ولی در هر حال از موجبات ارث نخواهد بود. » لکن به خاطر جلوگیری از بروز مشکلاتی برای کودک و جبران خلأ مذکور در آینده در ماده ۱۴ قانون آمده که یکی از شرایط صدور حکم سرپرستی تامین هزینه نگهداری و تربیت و تحصیل طفل تا سن بلوغ و تا زمان فوت سرپرست است. همچنین طبق تبصره ذیل ماده ۵ مذکور: «هرگاه وجوه یا اموالی از طرف زوجین سرپرست به طفل تحت سرپرستی، صلح شده باشد در صورت فوت طفل وجوه و اموال مذکور از طرف دولت به زوجین سرپرست تملیک خواهد شد.»[۴۳]

۳ - اداره اموال

اداره اموال و نمایندگی قانونی فرزندخوانده: برابر تبصره ماده یازده قانون سرپرستی کودکان بی‌سرپرست، علی‌الاصول اداره اموال و نمایندگی طفل صغیر بر عهده سرپرست است، مگر آن که دادگاه ترتیب دیگری اتخاذ نماید. اگر پدرخوانده را در حکم ولی قهری یا ولی ناشی از حکم سرپرستی بدانیم، در این صورت اداره اموال و نمایندگی قانونی فرزندخوانده صغیر بر عهده پدرخوانده است، اما پدرخوانده به منزله ولی قهری نیست؛ زیرا در ولایت قهری برابر ماده ۱۱۸۴ق. م چنانچه ولی قهری لیاقت اداره‌کردن اموال مولی‌علیه را نداشته باشد، یا در اموال او مرتکب حیف و میل گردد و یا قادر به اداره اموال وی نباشد، بعد

۱- محلاتی، شهربانو، ۱۳۹۲، بررسی قوانین فقهی-حقوقی کودکان در زمینه نسب و فرزندخواندگی، تهران، شبر، چاپ سوم، ص۳۹.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

از ثبوت عدم توانایی، عدم لیاقت یا احراز خیانت او، دادگاه اقدام به ضم امین خواهد کرد و امین در اداره اموال طفل به منظور جلوگیری از حیف و میل یا ورود ضرر به وی مداخله خواهد کرد. پدرخوانده را نمی‌توان به منزله قیم تلقی کرد؛ زیرا حدود وظایف پدرخوانده با حدود تکالیف قیم مشابهت ندارد. رأی وحدت رویه قضایی شماره ۲۲ ردیف ۸/۶۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۶۰/۰۴/۲۰ نیز این نظر را تأیید می‌کند. بنابراین، سرپرستی پدرخوانده نوعی نمایندگی قانونی یا ولایت خاص است که به حکم دادگاه در جهت حفظ حقوق فرزندخوانده قابل تغییر و سلب از پدرخوانده و محول‌کردن این نمایندگی به مادرخوانده یا هر شخص صالح و قابل اعتماد است. یعنی این سِمَت، ثابت و غیرقابل انتقال نخواهد بود و در هنگام صدور حکم سرپرستی، دادگاه می‌تواند اداره اموال و نمایندگی از صغیر را به مادرخوانده یا ثالثی محول نماید و اولویتی در این زمینه وجود ندارد[۴۴].

و: وضعیت تقنینی ازدواج با فرزند خوانده

در سال ۱۳۵۳، با اقتباس از حقوق کشورهای اروپایی به خصوص کشور فرانسه، قانون فرزند خواندگی به تصویب رسید. اما چون پس از انقلاب اسلامی قانون کشور ما برگرفته از فقه شیعه بوده و اسلام فرزند خواندگی را به صورتی که در نظام حقوقی فرانسه متداول است، مجاز نمی شناسد، در نتیجه نام آن را "قانون حمایت از کودکان بی سرپرست " گذاردند و این نهاد در موارد زیادی با کنوانسیون حقوق کودک هماهنگ بود. لفظ سرپرستی عنوانی بود که به ابتکار قانونگذار به کار رفته بود و در واقع کنایه از امکان پذیرفتن فرزند درخانواده بود[۴۵]. قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳ نیز به منظور تأمین منافع مادی و معنوی آنان شرایط خاصی را برای خانواده هایی که می خواستند سرپرستی اطفال بدون سرپرست را به عهده بگیرند، وضع نموده بود.[۴۶]این قانون شامل ۱۷ ماده و چندین تبصره بود. در این قانون فرزند خوانده به هیچ وجه در حکم فرزند قانونی نبوده و آثار آن از قبیل ارث و... بر آن مترتب نبوده است مگر الزاماتی که قانونگذار در مورد سرپرستی کودکان بدون سرپرست بیش بینی نموده است.

شرایط ذکر شده در این قانون برای پذیرش فرزند عبارت بود از، نداشتن فرزند، مقیم ایران بودن، مجرد نبودن، عقد دایم والدین سپری شدن بنج سال از عقد والدین، شرط سنی حداقل ۱۷ سال، نداشتن محکومیت جزایی، محجور نبودن، امکانات مالی مناسب، نداشتن اعتیاد و بیماری صعب العلاج و واگیر از شرایط اصلی یک خانواده برای پذیرش فرزندخوانده دائم محسوب می‌شد. محدودیت‌های قانونی

۱- موسوی بجنوردی، سید محمد، ۱۳۹۳، بررسی وضعیت فرزندخواندگی بعد از انقلاب اسلامی، بخش سوم و پایانی، مجله فقه و حقوق خانواده، ش۱۹، ص۱۷.

۲- مشکور، محمدجواد، ۱۳۹۰، خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، تهران، شرق، چاپ ششم، ص۲۱.

۳- مشکور، منبع پیشین، ص۲۲-۲۱.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

فرزندخواندگی البته شامل کودکان نیز می‌شد، به طور مثال تنها کودکانی واجد شرایط در مراکز بهزیستی زندگی می‌کردند و در این مدت والدین یا جدپدری مراجعه نکرده باشند، علاوه بر اینکه روند قضایی طولانی سه تا هفت ساله بدیرش فرزند عاملی شد تا بسیاری از خانواده ها رغبت چندانی برای مراجعه به بهزیستی و پذیرش حضانت و مسئولیت فرزند نداشته باشند[۴۷]. مهمتر اینکه در این قانون به موضوع ازدواج سرپرست با فرزند خوانده پرداخته نشده بود، از زمان تصویب این قانون تا سال ۸۷ که لایحه قانون جدید به مجلس ارائه شد سه ازدواج با فرزند خوانده اتفاق افتاده بود واگر شکایتی در این مورد وارد می شد هیچ قانونی وجود نداشت که دادگاههای خانواده بخواهند بر مبنای آن حکم دهند. مشکلاتی در قانون ۱۳۵۳ وجود داشت که باعث بی رغبتی خانواده ها برای مراجعه به بهزیستی و پذیرش حضانت و مسئولیت فرزند شده بود، به همراه نگرانی مسئولان بهزیستی از شرایط نگهداری کودکان باعث شد تا در قانون جدید شرایط فرزند خواندگی تسهیل شود و مسئولان بهزیستی خواستار تصویب ماده ای در مورد ازدواج با فرزند خوانده شوند. لایحه اولیه حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست در تاریخ ۸۷/۱۲/۱۷ به مجلس ارائه شد که در آن زمان در ماده ۲۴ آمده بود که ازدواج سرپرست با کودک یا کسی که تحت نظارت اوست منوط به اجازه دادگاه خانواده با اخد نظر کارشناس مجاز است. در مجلس هشتم با توجه به اینکه بررسی این لایحه زمانبر بود تنها برخی مواد آن در کمیسیون تصویب شد و نهایتاً به مجلس نهم رسید، در کمیسیون اجتماعی بر روی این ماده بحث و بررسی شد سرانجام با نظر مرکز پژوهش‌های مجلس و کارشناسان با توجه به اینکه تصریح به امکان ازدواج سرپرست با کودک یا نوجوان که موارد آن بسیار نادر است و اخلاق عمومی سازگار نیست حذف این ماده بیشنهاد شد، اما نمایندگان دولت یعنی مسئولان سازمان بهزیستی که پیشنهاد این طرح را داده بودند اصرار به تصویب این ماده داشتند چون اعلام کردند که مواردی وجود داشته (سه مورد) و اگر در قانون مطرح نشده باشد مشکل پیدا می‌شود، بنابراین در مرحله اول با یک اصلاحاتی دوباره تصویب شد که هرگاه سرپرست درصدد ازدواج است باید مشخصات آن را به دادگاه اعلام کند، در صورت وقوع ازدواج سازمان موظف است گزارش ازدواج را به دادگاه اعلام کند تا با توجه به این قانون نسبت به ادامه سرپرستی یا فسخ آن تصمیم اتخاد شود. سپس یک تبصره به آن اضافه شد که ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن با سرپرست ممنوع است.[۴۹]

این نظر مجلس بود که به شورای نگهبان رفت اما شورای نگهبان آن را رد کرد و دوباره به مجلس آمد سرانجام چون از نظر شرع ازدواج با فرزند خوانده اشکالی نداشت، اصلاح شد و اجازه ازدواج با مصلحت

۱- غیرت، فرهاد، ۱۳۹۲، ازدواج با فرزند خوانده در تعارض با هدف قانونگذار، روزنامه اعتماد، ص ۱۱.

۲- غیرت، منبع پیشین، ص ۱۲-۱۱.

۳- همان، ص ۱۲.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

دادگاه داده شد. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۳۱ به تصویب مجلس شورای تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت دادگستری جهت اجرا ابلاغ گردیده است.[۵۰] وفق ماده ۲۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست، هرگاه سربرست درصدد ازدواج برآید، باید مشخصات فرد مورد نظر را به دادگاه صالح اعلام نماید، در صورت وقوع ازدواج، سازمان مکلف است گزارش ازدواج را به دادگاه اعلام تا با حصول شرایط این قانون، نسبت به ادامه سرپرستی به صورت مشترک و یا فسخ آن اتخاذ تصمیم نماید. تبصره، ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن بین سرپرست و فرزندخوانده ممنوع است، مگر اینکه دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان، این امر را به مصلحت فرزند خوانده تشخیص دهد. نکات مثبت قانون جدید، مزایا ونکات مثبت این قانون را می توان پنین بر شمرد که قانون جدید دامنه شمول سرپرست را افزایش داده به گونه ای که علاوه بر زن و شوهری که صاحب فرزند نمی‌کردند زن وشوهری که دارای فرزند هستند و حتی دختران و زنان بدون شوهر نیز با داشتن شرایطی می توانند سرپرستی کودکان و نوجوانان را درخواست نمایند همچنین به موجب این قانون غیر از اتباع ایرانی مقیم ایران، سرپرستی ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز تجویز گردیده است در این قانون نقش مؤثر و پررنگتری برای سازمان بهزیستی در نظر گرفته شده و نظارت این سازمان برخانواده پذیرنده کودک قبل و پس از سرپرستی افزایش یافته است.[۵۱]

بعلاوه تعیین سرپرست برای کودکان بدسرپرست یعنی کودکانی که دارای والدین بی صلاحیت هستند نیز به موجب این قانون امکانپذیر شده است. از دیگر مزایای این قانون می توان به مقید نمودن سرپرست به انجام واجبات و ترک محرمات، افزایش شمول کودکان بدون سرپرست از ۱۲ سال به ۱۶ سال، توجه خاص به مسائل و حمایت های مالی و رفاهی کودکان از قبیل انتقال بخشی از اموال یا حقوق سرپرست به کودک یا نوجوان تحت سرپرست یا تعهد در این خصوص، مکلف نمودن سرپرست به بیمه نمودن خود جهت بیمه عمر به نفع کودک و نوجوان تحت سرپرست، توجه به استفاده از مزایای بیمه و بیمه تکمیلی و برخورداری مادر خوانده از مرخصی دوره مراقبت برای کودکان زیر ۳ سال معادل مرخصی دوره زایمان اشاره نمود. با وجود مزایا و نکات مثبت این قانون عمده ترین ایرادی که بر این قانون وارد است که مورد توجه و مخالفت های شدید برخی از حقوقدانان و کارشناسان و فعالان حقوق کودکان قرارگرفته است. قانونی نمودن امکان ازدواج با فرزند خوانده می‌باشد. طبق تبصره ماده ۲۶ این قانون، در ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن بین سرپرست و فرزند خوانده ممنوع است، مگر اینکه دادگاه صالح پس از

۱- شریعتی، روح‌الله، ۱۳۹۲، حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی، قم، بوستان کتاب، چاپ هفتم، ص۸۲

۲- شریعتی، منبع پیشین، ص۸۳

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

اخذ نظر مشورتی سازمان این امر را به مصلحت فرزند خوانده تشخیص دهد. این بدان معناست که رابطه سرپرست با فرزند خوانده می تواند با اجازه دادگاه تبدیل به یک رابطه زناشویی گردد.[۵۲]

تبصره فوق علاوه بر اینکه مخالف روح و هدف قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست بوده با برخی از قوانین داخلی و بین المللی نیز در تعارض است. هدف اولیه قانونگذار در وضع این قانون ایجاد کانون مناسب برای کودکان و تأمین نیازهای مادی و به خصوص معنوی آنان و ایجاد انگیزه برای سرپرستی چنین کودکانی است. در حالی که امکان ازدواج سرپرست با فرزند خوانده نه تنها اخلاق وامنیت و آرامش خانواده را به خطر انداخته، کودک را به شدت در معرض آسیب های روحی و معنوی قرار می دهد که همین امر یعنی ایجاد صدمه روحی، روانی و اخلاقی نسبت به کودکان، طبق مواد ۲ و۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۸۱/۹/۲۵ ممنوع بوده و جرم محسوب می گردد و از طرفی افراد در پذیرش فرزندخوانده با علم به این موضوع اکراه خواهند داشت. زیرا به عنوان مثال با ورود یک دختر به خانواده همواره زن این نگرانی و تشویش خاطر را دارد. که دختر خوانده پس از رسیدن به سن بلوغ به رقیبی برای او تبدیل شده و جای او را بگیرد ویا مرد با این فکر که مبادا پس از جدایی یا فوت فرزند خوانده همسر آینده زن او گردد تمایل و رغبتی برای سرپرستی از خود نشان نخواهد داد. تبصره فوق الذکر مخالف قوانین بین المللی است. زیرا به موجب کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۷ که ایران به موجب ماده واحد الحاق اجازه دولت جمهوری اسلامی ایران در اسفند ۱۳۷۲ به آن پیوسته، کشورهایی که سیستم فرزند خواندگی را به رسمیت شناخته و مجاز می دانند باید منافع عالیه کودک را در اولویت قرار دهند. بر اساس این کنوانسیون حق کودکان نسبت به برخورداری از استاندارد مناسب زندگی برای توسعه جسمی، ذهنی، روحی، اخلاقی و اجتماعی باید رعایت گردد. در صورتیکه با تصویب چنین تبصره ای نه تنها منافع عالیه کودک رعایت نگردیده بلکه به شدت موجبات آسیب های روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی برای فرزندخوانده فراهم گردیده است. امکان ازدواج سرپرست با فرزند خوانده مضاف بر اینکه با قوانین داخلی و خارجی و هدف قانونگذار در تعارض است، موجب خدشه دار شدن بنیاد خانواده شده و ساختار خانواده را تهدید می نماید و از موجبات ایجاد ناامنی برای کودکان تلقی می گردد. حتی با نگاهی منفی می توان گفت که با وصف موجود امکان تبدیل کانون خانواده به کانون معشوق پروری دور از تصور نبوده و خدای ناخواسته بستر لازم برای هوسبازی افراد سودجو فراهم شده است.[۵۳]

۱- پوربابایی، هاشم، ۱۳۹۴، هیاهوی وصلتی که هیچ کس به آن راضی راضی نیست، " میزکرد جالشی خبرگزاری ایسنا در مورد ازدواج سربرست با فرزند خوانده، ۹۲۰۷۱۷۱۱۰۲۵، ص۲۱.

۲- مولایی نژاد، میترا، ۱۳۹۲، ازدواج فرزند خوانده با سربرست در شکل گیری روابط والد وفرزندی اختلال ایجاد می کند، ، کد خبر ۴۳۹۴۵۹، ص۳.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

نتیجه‌گیری

در قانون ۱۳۵۳ با توجه به ضوابط شرعی منعی برای ازدواج سربرست و فرزند خوانده وجود نداشت اما قانونگذار ترجیح داده بود معترض این مسئله نشود که احتیاط درستی بود اما این تصریح یعنی ممنوعیت اولیه و مخالفت بعدی و سپس تجویز مشروط انجام جنین امری اذهان را متوجه وجود این مسئله (ازدواج سرپرست با فرزند خوانده) کرد که بسیار منفی ارزیابی می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از اهداف تصویب این قانون جلوگیری از اجبار برای رابطه جنسی و خشونت جنسی بین فرزند خوانده و والدین جایگزین است تا از این طریق از روابط جنسی ناخواسته و غیر شرعی و بعضی مسائل نظیر زنا جلوگیری شود و اشخاص به صورت شرعی حاضر به برقراری این ارتباط باشند. بی تردید این ازدواج تأسیس اخلاقی درستی نیست و وجود این ضابطه موجب کاهش موارد فرزند خواندگی شده و داوطلبان فرزند کاهش می‌یابد. یکی از مواد پرجنجال قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ماده ۲۶ است که ابتدا به ممنوعیت ازدواج پدرخوانده با فرزند خوانده اشاره کرده بود که با ایراد شورای نگهبان، به این صورت اصلاح شد که "ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن بین سرپرست و فرزندخوانده ممنوع است؛ مگر آنکه دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان، این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد. " به نظر می‌رسد این ماده و تبصره اصلاحی آن را از دو جهت می‌توان مورد توجه قرار داد؛ یکی افکار عمومی‌و قشر عامه مردم که از فقه سررشته‌ای ندارند و دلیل این ماده قانونی را نمی‌دانند و با موج رسانه‌ای پیش آمده روبرو شده و می‌گویند مگر می‌شود انسان با دختری که چندین سال در آغوش خود بزرگ کرده ازدواج کند؟، و از طرف دیگر با نگاه فقهی اگر بنگریم همین که در ابتدا ماده اشاره به ممنوعیت ازدواج شده، خودش محل اشکال است؛ چون با توجه به فقه شیعه فرزندخوانده جزء محارم به حساب نمی‌آید و در نتیجه آنها می‌توانند با هم ازدواج کنند. اصولاً شرع اموری را می‌پذیرد که عقل تأیید می‌کند و علاوه بر این، مسائل شرعی باید عقلی بوده و ازطرفی عرف هم آن را بپذیرد. پیامبر هنگام ابلاغ رسالت بسیاری از مسائل عرفی را مورد تأیید قرار داد و بسیاری از عقود را پذیرفت؛ مثلاً از انواع ازدواج دو نوع آن را پذیرفت و بقیه را رد کرد. لذا اسلام دینی است که در ابتدا با عقلانیت وارد شد و به همین خاطر هم محبوب است و از طرفی همیشه برای تمام مسائل جامعه راه‌حل ارائه کرده است. امروزه مواردی از سوء استفاده و خشونت در مورد کودکان بی سربرست و خیابانی وجود دارد حال کودکی با این پیشینه برای سرپرستی به خانواده ای سپرده شود و در آنجا به جای اینکه از رابطه حمایتی و سالم والدین برخوردار شود به عنوان شریک زندگی زناشویی به او نگریسته شود و یا در ورطه نکاح رقابتی والد هم جنس بیفتد در این صورت عوارض روانی بایداری برای این کودکان ایجاد خواهد شد که تا سالها ممکن است آثار آن باقی بماند. وقتی معتقدیم فرزند خواندگی نهادی است که برای رعایت شخصیت کودک و تربیت درست کودک تأسیس شده است و اینکه پدر خوانده و مادر خوانده، پدر و مادر واقعی کودک نیستند به عنوان رازی بین آنها و سازمان بهزیستی باقی می ماند و سازمان متقاضیانی را به

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

عنوان پدر خوانده و مادر خوانده می پذیرد که غالباً صاحب فرزند نمی شوند و علاقه به فرزند داشتن دارند و از توانایی تأمین مخارج و نیاز های روحی کودک بر خوردارند. حال فرض حالتی که دختر و پسری را به عنوان فرزند به خانه این تصور بیاوری و آنکاه به عنوان همسر به او بنکری با هیج معیار اخلاقی قابل توجیه نیست .مجاز بودن یا منع ازدواج با فرزند خوانده اساس فرزند خواندگی را زیر سؤال می برد و می تواند نتیجه معکوس داشته باشد زیرا زمانی که پدر خوانده و مادر خوانده با این تصور که کودکی را به فرزندی قبول کند تا بعدها با او ازدواج کند، بنابراین به اوبه چشم فرزند واقعی نکاه نخواهد شد و رفتار تربیتی مؤثری نخواهند داشت این پدر خوانده ویا مادر خوانده او را با محدودیت‌های خاصی بزرگ خواهد کرد تا او به عنوان زن یا شوهر آینده ویژگی های مطلوب مدنظر آنها را داشته باشد، درواقع این پدر خوانده ویا مادر خوانده فرزند تربیت نمی کنند بلکه زن یا شوهر تربیت می کنند و به این ترتیب هویت کودک از بین خواهد رفت. هرکس در خانواده نقش تعریف شده دارد و باید هویتش معلوم باشد تا بتواند نقش های خود را مثل نقش پدری و مادری را خوب ایفا کند، اگرکسی در عین اینکه نقش مادر یا پدری برایش تعریف شده، همسر هم بشود در نتیجه رابطه والدی فرزندی مخدوش می شود و تعلیم و تربیت و ایجاد یک حریم امن برای بچه و داشتن یک رابطه سالم و سازنده با او ممکن نیست. چنین قوانینی می تواند از روز اول که این کودک با به خانواده گذاشت تخم بدبینی و سوءظن را در فضای خانه بپاشد و خانواده ای که باید آسودکی و امنیت را برای این بچه در دنیای بر تنش و نا امن فراهم کند خودش دقیقاً کانون تنش و مملو از سو ظن می شود و این خانواده نمی تواند کارکرد آرامش را برای کودک داشته باشد. چنین قانونی می تواند سوء استفاده جنسی از کودکان را قانونمند کند و راه را بر برخی سوء استفاده های آتی از فرزندان این مرز و بوم باز کند به این کونه ازدواج ها جنبه رسمی بدهد علاوه بر اینکه به سبب مرکزیت تمام مسائل با محور مسائل جنسی، قبح پدری و مادری و روابط عاطفی فرو می ریزد، و حریم ها شکسته می‌شود و اخلاقیات از بین می رود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

فهرست منابع

الف: منابع فارسی

۱-کتب

ـ آذرنوش، آذرتابش، فرهنگ معاصر غربی و فارسی، تهران، نشرنی، چاپ هشتم، ۱۳۸۶.

ـ ارفع نیا، بهشید، حقوق بین الملل خصوصی، جلد دوم، انتشارات بهتاب، چاپ سوم، ۱۳۷۹.

ـ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوقی، گنج دانش، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱.

ـ درویش گفتار، احمد، حقوق اقلیت‌ها در قرآن، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ نهم، ۱۳۹۳.

ـ شریعتی، روح‌الله، حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی، قم، بوستان کتاب، چاپ هفتم، ۱۳۹۲.

ـ صفائی (سید حسین) وامامی(اسد الله)، حقوق خانواده، جلد دوم(قرابت و نسب)، چاپ سوم، ۱۳۷۴.

ـ صفایی، حسین. امامی، اسدالله، حقوق خانواده:نکاح و انحلال آن (فتح و طلاق)، دانشگاه تهران مؤسسه انتشارات وزیری، چاپ ششم، جلد یک، ۱۳۸۵.

ـ عالمی طامه، حسن، فرزندخواندگی در اسلام، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۳.

ـ گنجینه استفتائات قضایی، موسسه آموزشی و پیوهشی قضا، قم، نسخه دوم، سوال ۵۳۶۲، ۱۳۹۰.

ـ محلاتی، شهربانو، بررسی قوانین فقهی–حقوقی کودکان در زمینه نسب و فرزندخواندگی، تهران، شبر، چاپ سوم، ۱۳۹۲.

ـ مشکور، محمدجواد، ، خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، تهران، شرق، چاپ ششم، ۱۳۹۰.

ـ مشکینی، علی، مصطلحات الفقه، بی‌جا، نـشر الهـادی، بی‌چا، ۱۴۱۹ق.

ـ وزیری، مجید، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام وموارد تطبیقی آن، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۲- مقالات و سایر منابع

ـ امامی، اسدالله، مقاله وضع حقوقی فرزندخواندگی در ایران، بانک مقالات حقوقی، ۱۳۸۸.

ـ امامی، اسدالله، حقوق نسب در حقوق ایران و فرانسه، پایان نامه تحصیلی دوره دکتری حقوق رشته قضایی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.

ـ پوربابایی، هاشم، هیاهوی وصلتی که هیچ کس به آن راضی راضی نیست، " میزکرد جالشی خبرگزاری ایسنا در مورد ازدواج سربرست با فرزند خوانده، ۱۳۹۴.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

ـ ترازی، سکینه، بررسی فرزند خواندگی در حقوق ایران، انگلستان و سوئد، مجله پیام آموزش، شماره۳۸، ۱۳۸۹.

ـ توریان، علی، بررسی ابعاد حقوقی فرزندخواندگی و تحویل اطفال به دیگری، نشریه پیام آموزش، شماره ۳۵و۳۶، ۱۳۹۰.

ـ حکمت نیا، محمود، بررسی فقهی و حقوقی ازدواج با فرزند خوانده، مجله فقه پویا، ش۱۰۱، ۱۳۸۵.

ـ غیرت، فرهاد، ازدواج با فرزند خوانده در تعارض با هدف قانونگذار، روزنامه اعتماد، ۱۳۹۲.

ـ متولی، محمد، قانون حاکم بر فرزند خواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین الملل خصوصی ایران، مجله کانون، ش۱۲۳، ۱۳۹۲.

ـ موسوی بجنوردی، سید محمد، بررسی وضعیت فرزندخواندگی بعد از انقلاب اسلامی، بخش سوم و پایانی، مجله فقه و حقوق خانواده، ش۱۹، ۱۳۹۳.

ـ مولایی نژاد، میترا، ازدواج فرزند خوانده با سربرست در شکل گیری روابط والد وفرزندی اختلال ایجاد می کند، کد خبر ۴۳۹۴۵۹، ۱۳۹۲.

ب: منابع عربی

ـ ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج۲، بیروت، لبنان، نشر دارصادر، چ۱، ، ۱۴۱۰.

ـ ابوالفتوح رازی، حسین، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القران، مشهد، انتشارات استان قدس، چ۲، ج ۵، ۱۴۰۸.

ـ تبریزی، جواد، ، استفتائات جدید، ج۱، چاپ اول، ۱۳۸۵.

ـ جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغه، ج۱، بیروت، دارالعلم للملایین، چ۴، ۱۴۰۷.

ـ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، تهران، انتشارات دانشگاه، چاپ نهم، ۱۳۸۶.

ـ خویی، ابوالقاسم، صراط النجاه، ج ۱، قم، مکتب نشر المنتخب، چاپ اول، ۱۴۱۶.

ـ راوندی، قطب الدین، فقه القران، ج ۲، قم، انتشارات ایه الله مرعشی، چاپ سوم، ۱۴۱۳.

ـ شربینی، محمد بن احمد، ، مغنی المحتاج، ج۳، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌چا، ۱۳۷۷ق.

ـ طباطبایی، محمد حسین، تفسیرالمیزان، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۷.

ـ علامه حلی، ذکره الفقها فقم، مکتبه المرتضویه، چاپ چهارم، ۱۴۱۱.

ـ فخر رازی، ابوعبدالله، مفاتیح الغیب، ج ۲۵، ، بیروت، انتشارات دارالاحیا، چاپ سوم، ۱۴۲۰.

ـ فیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، ج ۴، ، قم، انتشارات دفتر تبلیغ اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱.

ـ کلپایگانی، محمد رضا، ارشاد السائل، بیروت، دار الصفه، چاپ دوم، ۱۴۱۳.

ـ نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج۲۹، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌جا، ۱۹۸۱م.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]